

## عقلانه ازدواج و عاشقانه زندگی کنیم

انسان‌ها در طول زندگی همواره محتاج و نیازمند یکدیگرند. در واقع زمانی که انسان خلق می‌شود نیازهایش هم به همراه او خلق می‌شود و اینجاست که خدای مهربان و دوست‌داشتنی مخلوقش را به حال خود رها نکرده و در مقابل نیازهایش بهترین راه‌های تامین و ارضای آن را قرار داده است.



انسان‌ها در طول زندگی همواره محتاج و نیازمند یکدیگرند. در واقع زمانی که انسان خلق می‌شود نیازهایش هم به همراه او خلق می‌شود و اینجاست که خدای مهربان و دوست‌داشتنی مخلوقش را به حال خود رها نکرده و در مقابل نیازهایش بهترین راه‌های تامین و ارضای آن را قرار داده است.

جام جم سرا: مثلاً گرسنگی یک نیاز است و همه می‌دانیم شخص گرسنه با دیدن غذا سیر نمی‌شود و باید غذا را به طور کامل بخورد تا نیاز گرسنگی‌اش برطرف شود.

نیاز به غذا، درست مصداق نیاز به جنس مخالف را دارد. در حقیقت نیاز جنسی یکی از نیازهای طبیعی، غریزی و قوی‌ترین نیاز انسان است که همچون گرسنگی فقط با تماشای جنس مخالف ارضا نمی‌شود و برای تامین آن دو راه پیش‌رو داریم؛ ازدواج و دیگری روابط خارج از ازدواج که اسلام با توجه به نگاه کامل و جامعی که به مسائل دارد، فقط سنگ ازدواج را به سینه می‌زند و تامین این نیاز و راه رسیدن به خیر و برکت را فقط از مسیر ازدواج می‌داند.

امین کشوری در کتاب حجاب من می‌نویسد: نیاز به جنس مخالف، معقول و غریزی است که اگر از راه صحیح تامین نشود فرد را در منجلابی فرو خواهد برد که انتهایش پوچی و ناکامی است. یکی از عواملی که مانع از به جریان افتادن صحیح و مطلوب نیروهای جسمی و ذهنی می‌شود، تسلط تمایلات جنسی بر وجود انسان است. وقتی نیروی جنسی کنترل و جهت‌دهی نشود، تمام فکر و ذکر فرد و قوای جسمی و روحی او، متوجه هوس‌بازی‌ها می‌شود و اگر در عمل هم فرصت هوس‌بازی پیدا نکند، ذهن او با فکر کردن و خیالپردازی‌های جنسی یا به تعبیری زنا‌ی ذهنی، دیگر فرصتی برای شکوفایی استعدادها و پرداختن به کارها حتی فعالیت‌های روزمره نمی‌یابد.

در واقع احتیاج به فکر آزاد نیاز هر انسانی است تا از آن طریق به کمال الهی و پیشرفت‌هایی در زندگی دست یابد، اما دغدغه‌ها و دلمشغولی‌های ناشی از نرسیدن به جنس مخالف، آزادی فکر را سلب می‌کند و اگر این دلمشغولی‌ها ساماندهی و به ازدواج ختم نشود، بدون شک آغازی برای شروع روابط خارج از مسیر ازدواج و روابط جنسی پنهانی خواهد بود.

### آسیب‌های یک رابطه پنهانی

اما برخی از جوانان جامعه کنونی ما بر این باورند که چرا خود را به دغدغه و زحمت بیندازند و تن به تعهد و ازدواج دهند. به عقیده آنها، با ایجاد رابطه پنهانی با جنس مخالف، نه تنها می‌توانند نیازهایشان را تامین کنند بلکه این امکان را دارند که در انتخاب و تعدد شرکای جنسی‌شان تنوع بیشتری داشته باشند.

کشوری در خصوص آسیب‌های روابط خارج از ازدواج می‌گوید: معمولاً روابط مخفیانه به دور از چشم اطرافیان و خانواده برقرار می‌شود و در هر دو طرف این ترس و اضطراب وجود دارد که نکند رابطه‌شان آشکار شود، زیرا با آشکار شدن روابط پنهانی، عفت دختر و غیرت پسر لکه‌دار می‌شود. در نتیجه برقراری این روابط نه تنها آرامش‌بخش نخواهد بود، بلکه می‌تواند تشدیدکننده استرس و آشوب‌های روانی و تنش جنسی باشد. جوانی که به این‌گونه روابط مبتلاست، فقط برای لحظات کوتاهی فرصت دیدار دوست جنس مخالف را دارد و دائم به دنبال کنج و خلوتی است که به معشوق یا معشوقه‌اش فکر کند. بنابراین گوشه‌گیری و منزوی شدن از جمع و اطرافیان، یکی دیگر از آسیب‌های این‌گونه روابط است. از آنجا که در اغلب این روابط و دوستی‌ها هوس و نیاز و تمایلات جنسی و نه عقل حرف اول را می‌زند، خیلی‌ها بخصوص مردان، صرفاً برای ارضای جنسی به این رابطه‌ها روی می‌آورند و از آنجا که دختران عاطفه و احساسات بیشتری دارند و در این دوستی‌ها وفادارترند و حتی نیت ازدواج در سر می‌پروراند، لطمه بیشتری خواهند خورد. همچنان که در مواردی مشاهده می‌شود که یک پسر یا مرد در یک زمان، با چند دختر یا زن طرح دوستی و رابطه می‌ریزد.

ممکن است بعضی دخترها و پسرها با این فکر که قرار است بعد با هم ازدواج کنند، درگیر ارتباط‌های کتبی، شنیداری و دیداری مختلفی شوند و از آنجا که افراد تنوع طلبند و دائم لحظات نو و تازه‌ای را برای خود طلب می‌کنند، پس از مدتی که از رابطه دختر و پسر می‌گذرد، جاذبه‌ها و ناز و عشوه‌ها که مربوط به اوایل دوستی است دیری نمی‌پایید که تبدیل به عادت می‌شود و دو طرف بخصوص پسرها نسبت به آن ارتباط قدیمی احساس خستگی می‌کنند و می‌خواهند وارد مرحله جدیدی از ارتباط شوند، مثلا اگر تا به حال با یکدیگر ارتباط تلفنی داشته‌اند، تمایل به ملاقات و ارتباط حضوری یا برقراری و طلب روابط جنسی دارند که معمولا در موارد طلب جنسی دختر مقاومت و پسر اصرار می‌ورزد و گاه پسر برای به کام رسیدن و متقاعد کردن جنس مخالف، از ادامه رابطه کناره‌گیری می‌کند تا از طریق ضربه یا تشدید احساسات و علاقه دختر، او را وادار به برقراری روابط نامشروع کند، بنابراین گناه قبلی زمینه‌ساز گناه بعدی می‌شود و نهایت روابط ناپسند و خارج از مسیر ازدواج تبدیل به یک عادت ناپسند و عادی در هر دو جنس مذکر و مونث می‌شود و تاسف‌بارتر آن‌که عده‌ای از این افراد بعد از ازدواج هم مایل به ادامه این‌گونه روابط نامشروع هستند.

در نتیجه روابط نادرست با جنس مخالف موجب پایین آمدن ارزش‌های اخلاقی در هر دو جنس می‌شود و در این روابط این دختران هستند که به ابزاری درمی‌آیند که روزانه با تغییر آرایش و نوع و مدل لباس و جذابیت‌های کلامی و جسمی، برای تیمار احساسات و عواطف لطمه‌خورده خود باید زمینه‌ساز ادامه این روابط حتی از نوع جنسی باشند.

دختری می‌خواهم آفتاب مهتاب ندیده

هر فردی در فطرت خویش، به دنبال پاکی و پاکدامنی است و همواره برای خود بهترین‌ها را طلب می‌کند.

کشوری می‌افزاید: حتی پسرانی که به قول معروف هفت خط روزگارند، وقتی می‌خواهند ازدواج کنند به مادر و اطرافیان‌شان می‌گویند برایم دختری انتخاب کنید که آفتاب مهتاب او را ندیده باشد. در واقع دخترانی که به علت داشتن روابط پنهانی، گناه‌آلود می‌شوند، به سرنوشت خودشان پشت پا می‌زنند. این امر باعث می‌شود که آنان به جرم داشتن رابطه‌های ناسالم، شرایط ازدواج سالم را از دست بدهند.

نویسنده کتاب حجاب من می‌گوید: به پسری که با چند دختر دوست بود، گفتم چرا آن دخترها را به خود مشغول کرده‌ای، دست‌کم با یکی از آنان ازدواج کن. به من گفت: آنها مرا دوست دارند، برایم هدیه می‌خرند، دائم مراقبم هستند و طوری رفتار می‌کنند که من از هر نظر تامین می‌شوم. مگر مرخص هستم که سرپرستی خانواده را قبول کنم و نانخور اضافی بیاورم؟ ضمنا اگر بخواهم ازدواج کنم فکر می‌کنی که اینها زن زندگی‌اند؟! اینها هر روز با یکی دوستند، دختری که براحتی با من رابطه مخفیانه و نامطلوب برقرار می‌کند، از کجا معلوم که پیش از من با فرد دیگری رابطه و دوستی نداشته باشد و در نتیجه اینها برای چند روز خوشی و جوانی کردن من بس‌اند! البته عکس این موضوع هم مصداق دارد و دختر هم چنین افکاری به سراغش می‌آید.

احساس عذاب وجدان

بیشتر دختران و پسرانی که با هم روابط و دوستی‌های نامشروع دارند، پس از پایان دوستی احتمال این‌که با شخص دیگری ازدواج کنند وجود دارد، اما آنها به نوعی به همسر آینده‌شان خیانت کرده‌اند، زیرا آنها سرمایه‌های جسمی، جنسی، روحی و معنوی‌شان را قبلا برای افراد دیگری هزینه کرده‌اند و بدون شک این افراد در آینده در مقابل همسرشان دچار رنجش خاطر و عذاب وجدان می‌شوند. حال اگر از همه آفات و آسیب‌های روابط نامشروع بگذریم، چون این روابط رضایت خدا را به همراه نداشته، به نوعی گناه و نافرمانی از او محسوب می‌شود و اگر توبه و اصلاح در کار نباشد، لطف و برکت الهی از زندگی رخت برمی‌بندد.

به واقع اسلام منکر لذت‌های جنسی و محبت‌آمیز افراد نمی‌شود، بلکه این نیاز را همچون نیاز فرد گرسنه به غذا قابل احترام دانسته، اما تامین و ارضای آن را در کانون پرمهر و محبت خانواده و نه در دل اجتماع، معنا می‌کند.

خداوند انسان را به گونه‌ای آفریده که بدون همسر ناقص است. فرد هر چه از نظر علم و ایمان و فضایل اخلاقی بالا رود، تا همسر اختیار نکند به کمال مطلوب نمی‌رسد. جنس مذکر و مونث از نظر روحی، جسمی، جنسی و معنوی به یکدیگر نیازمندند و هنگامی که پیوند زناشویی بستند، همدیگر را کامل می‌کنند و این قانون را همانی گذاشته که ما را خلق کرده است. ازدواج علاوه بر تامین نیازهای جنسی، تعهد، تکامل، رشد شخصیتی و از همه مهم‌تر توالی نسل را به ارمغان می‌آورد. متعهد شدن در برابر همسر و خانواده برای هر فردی، قدرت، بزرگواری و احساس مسئولیت اجتماعی می‌آورد. بسیاری از لیاقت‌ها و استعداد‌های درونی فرد با ازدواج بارور و بالنده می‌شود و در تشکیل خانواده، لذت و رشدی است که هیچ چیز جای آن را نمی‌گیرد.

پس عاقلانه ازدواج کنید، عاشقانه زندگی کنید و بدانید که عشق مشروع هدیه‌ای است از جانب معبود و به گفته خداوند متعال مطمئن باشید، زنان پاک به مردان پاک تعلق دارند. (ضمیمه چاردیواری)

فاخره بهبهانی